



### تیتربهای امروز

گفت‌وگوی «وطن امروز» با ابوالفضل جلیلی کارگردان جهانی سینمای ایران

# عاشق علامه‌ام!

- فکر می‌کنم او پیش‌نماز من است
- جشنواره فجر بین‌المللی نیست
- خوشحال شدم آوینی با شهادت از دنیا رفت
- اگر انقلاب نمی‌شد فیلمساز نمی‌شدم



آیت‌الله سیدمحمد خامنه‌ای:

# آتش در خلیج فارس دنیا را درگیر می‌کند

مرحله دوم انتخابات مجلس برگزار شد

# تعیین تکلیف

# ۶۸ کرسی باقیمانده

انتقاد آیت‌الله جوادی آملی از عدم پابندی طرف آمریکایی به تعهدات خود در توافق هسته‌ای با توجه به اجرای تعهدات ایران

# برجام باعث بردگی نشود



روایت مقدم‌فر از ابعاد راهبردی و خطرناک نفوذ دشمن

## نفوذ فرهنگی - سیاسی راهبردی دشمن است

### خبر

معاون فرهنگی مجمع جهانی بیداری اسلامی گفت: چون جنسی انقلاب اسلامی ایران ذاتاً فرهنگی بود، عموماً دشمنی و ستیزها با جریان انقلاب هم ماهیتی فرهنگی دارد بنابراین دشمن‌شناسی فرهنگی با تأکید بر نفوذ فرهنگی در شناخت راهبردهای دشمن موضوع بسیار مهمی است.

به گزارش تسنیم، حمیدرضا مقدم‌فر در نشست «بررسی ابعاد نفوذ فردی و جریانی» از سلسله نشست‌های فرهنگی بزم‌اندیشه که در محل مؤسسه خدمات مشاوره‌ای، جوانان و پژوهش آستان قدس رضوی برگزار شد، با بیان اینکه تمام دشمنی‌ها بر این اساس که انقلاب اسلامی ایران یک انقلاب فرهنگی و در مقابل تفکر مارکسیسم و لیبرالیسم قرار داشت، پایه‌گذاری شد، اظهار داشت: باید دشمنان را از نگاه عمیق فرهنگی شناخت و بنیان و مبانی دشمن‌شناسی فرهنگی در قرآن و نهج‌البلاغه است.

مشاور فرهنگی و رسانه‌ای فرمانده کل سپاه پاسداران با اشاره به اینکه در مسیر ۳۸ ساله انقلاب اسلامی همواره متناسب با حرکت ما، دشمنی‌ها نیز به همان شکل در تکنیک، تاکتیک و راهبردها از سوی دشمن طراحی شده است، گفت: نخستین گام حرکت ملت ایران در مسیر تمدن‌سازی، پیروزی انقلاب اسلامی بود که در تأسیس با مقابله روبه‌رو شد پس از آن دشمنی‌های بعدی در قالب‌های سخت، نیمه‌سخت و نرم با هدف مقابله با استقرار نظام اسلامی اعمال شد.

وی تصریح کرد: از کودتای نوزده و ایجاد دشمنی‌های قومی تا حمله صدام، همگی با هدف جلوگیری از استقرار نظام اسلامی انجام شد اما نظام جمهوری اسلامی شکل گرفت و هم‌اکنون در دوران و گام سوم یعنی دولت‌سازی و شکل‌گیری حاکمیت اسلامی هستیم.

مقدم‌فر با اشاره به اینکه این نظام باید مبتنی بر قواعد، ارزش‌ها، اصول و مبانی اسلامی باشد، افزود: طبق فرمایشات مقام معظم رهبری، تا زمانی که حاکمیت اسلامی شکل نگیرد به مرحله جامعه‌سازی و امت‌سازی و بعد تمدن اسلامی نخواهیم رسید و در مسیر دشمن‌شناسی فرهنگی باید به این مهم توجه شود.

معاون فرهنگی مجمع جهانی بیداری اسلامی با بیان اینکه امروز دشمنان از راهبردهای سخت مثل جنگ و کودتا و فشارهای نیمه‌سخت نظیر تحریم و ترور ناامید شده است، خاطر نشان کرد: نفوذ دشمن در شرایط پسا-برجام را نه به‌عنوان

## دستاوردهای ما از تعامل با غرب

شهاب‌الدین سبانی

که اقتصاد و سیاست ایران را در قبضه خود قرار داده بود و البته دولتی استبدادی بود، قرار داشت. انگلیسی‌ها به دنبال آن بودند که به منافع روسیه در ایران ضربه بزنند؛ امری که با وقوع انقلاب مشروطه و شدت گرفتن آن ممکن شد و روس‌ها با همه تلاش‌های خود نتوانستند به مقابله با آن برخیزند.<sup>(۱)</sup>

اما آن زمان که با ظهور آلمان‌ها در عرصه جهانی، منافع انگلیسی‌ها به خطر افتاد، این کشور حمایت از انقلاب مشروطه را رها کرد و تلاش کرد با نزدیک شدن به روس‌ها به مقابله با دشمنان جهانی خود برخیزد. از این رو بود که با انعقاد معاهده محرمانه ۱۹۰۷، ایران را میان خود و روسیه تقسیم کرد.<sup>(۲)</sup> انتشار این خبر در ایران، آبی سرد بود بر کالبد مشروطه و مشروطه‌خواهان. انقلابی که به امید حمایت انگلیس به جریان افتاده بود، اکنون باید حمایت یک بازیگر اشتباه مشروطه‌خواهان، یک بسار دیگر در جنبش ملی شدن صنعت نفت تکرار شد. همان طور که می‌دانیم پیروزی جنبش ملی شدن صنعت نفت مرهون ائتلاف ۲ طبقه مهم متوسط سنتی به رهبری روحانیون و شخص مرحوم آیت‌الله «کاشانی»<sup>(۳)</sup> و طبقه متوسط جدید به رهبری جبهه ملی و شخص «محمد مصدق» بود. اما پس از پیروزی‌های اولیه در ملی شدن صنعت نفت و مقابله با انگلیس، مصدق و جبهه ملی تلاش کردند در پی‌گیری خود تغییر ایجاد کنند و به جای ائتلاف با نیروهای داخلی و روحانیان و بازار، به سوی آمریکا گرایش یابند. آنان در صدد بودند با گسترش نقش آفرینی آمریکا در ایران و حذف انگلستان، تغییر مهمی در روابط خارجی و بازگیری بین‌المللی ایران ایجاد کنند.

آمریکایی‌ها اگرچه در ابتدای امر به برخی خواسته‌های مصدق توجه کردند اما بتدریج و با امتیازاتی که از سوی انگلیس به این بازیگر جدید عرصه بین‌المللی اعطا شد، به مصدق و جبهه ملی پشت کردند و دست در دست انگلیس، زمینه‌های سقوط او را فراهم کردند.

جالب آنکه طبق اسناد آمریکایی منتشرشده از کودتا، مصدق ماه‌ها قبل از ۲۸ مرداد از احتمال کودتا مطلع بوده است اما با این حال به مقابله با کودتاجان نپرداخت. او حتی در پاسخ کوتاه خود به نامه آیت‌الله کاشانی که او را از احتمال کودتا برحذر می‌داشت، نوشت: «... اینجانب مستظهر به پشتیبانی ملت هستم»؛ بدون آنکه بدانند از آن روز که به ایالات متحده نزدیک شده، خوانفناخواه مشروطیت خود را در جامعه از دست داده است، اگر نه به مقابله با فداثانیان اسلام بر نمی‌خاست و دست توده‌های را در کشور باز نمی‌گذاشت.

تجربه ۲ برش تاریخی که بدان اشاره شد و همچنین نزدیکی شاه به ایالات متحده، به خوبی می‌تواند ۲ نکته را برای‌مان روشن کند. ۱- در رابطه دولت و ملت هرگز نمی‌توان یک دولت خارجی را جایگزین ملت کرد. ۲- نزدیکی به قدرت‌های خارجی مشروعیت دولت را کاهش می‌دهد؛ بویژه آنکه عمدتاً در این شرایط دولت‌ها سخت‌تر صدای مردم را می‌شنوند چون شنیدن خواسته‌های دولت‌های غربی اولویت می‌یابد.

از این رو لازم است هرگونه سیاست‌گذاری در عرصه سیاسی و اقتصادی کشور، درون‌زا و براساس نیازها و خواسته‌های جامعه بروز یابد. اینکه بخواهیم در سیاست‌گذاری‌های‌مان به سیاست خارجی به عنوان مهم‌ترین ابزار بنگریم، قطعاً نتیجه‌ای غیر از آنچه بارها و بارها در تاریخ معاصر ایران برای‌مان پیش آمد، روی نخواهد داد. گذشته چراغ راه آینده است؛ آیا زمان آن نرسیده که از گذشته درس بیاموزیم؟

پی‌نوشت

۱- روس‌ها به استناد یک بند از قرارداد ترک‌منچای که در آن تسلسل جانشینی در خاندان عباس‌میرزا را تضمین می‌کرد، به مقابله با انقلاب مشروطه که محدودکننده قدرت این خاندان بود می‌پرداختند. ۲- طبق این قرارداد محرمانه، ایران به ۳ بخش شمالی (منطقه تحت نفوذ روسیه)، جنوبی (منطقه تحت نفوذ انگلستان) و منطقه حائل مرکزی تقسیم شده بود.

### روزنه

کشور ما ایران به دلیل موقعیت استراتژیک و منابع طبیعی متنوع، همواره مورد توجه جهان غرب قرار داشته است. شاید آن زمان که برای نخستین‌بار پرتغالی‌ها با به جزایر ایران در جنوب گذاشتند، هیچ ایرانی‌ای تصور نمی‌کرد این تازه‌واردها روزی بالای جان ایران و به طور کلی جهان شرق شوند. قطعاً زمانی که صفویان با کمک انگلیسی‌ها، پرتغالی‌ها را از مناطق دریایی جنوب ایران بیرون می‌کردند، گمان نمی‌پردند روزگاری انگلیسی‌ها آنچنان پاکباز این آب و خاک شوند که بیرون کردن‌شان امری سخت و دشوار باشد. همچنان که وقتی برای نخستین‌بار آمریکایی‌ها به عنوان نیروی سوم برای مقابله با قدرت‌گیری روس و انگلیس با اشتیاق ما به این سرزمین با گذاشتند، کمتر کسی تصویری امپریالیستی از آن دولت داشت.

اما به راستی این مساله مهم است که بدانیم تعامل و نزدیکی به قدرت‌های غربی چه پیامدهایی برای کشور ما داشته است. آیا همپیمانی با قدرت‌های غربی با منافع ملی ما سازگار است و در درازمدت به اقتدار، مشروعیت و استقلال دولت‌های ایران منجر شده است؟ برای پاسخ به این سوال می‌توان برش‌های متعددی از تاریخ معاصر ایران را مورد بازخوانی قرار داد. یادداشت حاضر تلاش می‌کند تنها ۲ مقطع از این تاریخ پرفرازونشیب را مورد واکاوی قرار دهد- و آن‌شاه‌الله در آینده موارد دیگر را مورد بررسی قرار می‌دهیم- یکی زمانه «انقلاب مشروطیت» و دیگری دوره «ملی شدن صنعت نفت».

### انگلستان و انقلاب مشروطیت ایران

در گیر و دار اعتراضات علما به حکومت «مظفرالدین‌شاه» و در شرایطی که بسیاری از روحانیون خواستار تأسیس عدالتخانه در ایران بودند، طی حرکت‌های مشکوک در تهران حدود ۱۴ هزار ایرانی در حیط سفرات انگلیس در تهران بست نشستند. آنجا بود که برای نخستین‌بار خواسته‌های جنبش، از عدالتخانه به مشروطه‌خواهی تغییر کرد و عده‌ای مشروطه‌خواه شدند جالب آنکه در این زمان انگلستان کشوری مشروطه بود و منافع آن در مقابل روسیه تزاری

### نکاه امروز

## آنچه گفتند «می‌شود» آنچه «اتفاق افتاد!»

روح‌الله عبادی

«سازمان تحریم ترک برداشت». این پیامی بود که رئیس‌جمهور محترم بلافاصله پس از امضای برجام در کنفرانس زنده تلویزیونی آن را برجسته و از محوطه کاخ ریاست‌جمهوری به دنیا مخابره کرد (سوم آذر ۹۲). اما آنچه این روزها دیپلمات‌های مدال‌آور بویژه محمدجواد ظریف را بشدت نگران کرده، روی دیگری از واقعیت است: «آنچه ما از آمریکا درخواست داریم آن است که در فعالیت بانک‌ها مداخله نکند و آنها را از آمدن به ایران دلسرد نکند» (۳۰ فروردین ۹۵) علاوه بر رویکرد «خواهش و تمناگونه» ظریف از آمریکا، اعترافات ولی‌الله سیف نیز بر «تقریباً هیچ بودن» دستاوردهای برجام دلالت دارد. همچنین دلایلی که این دو مقام مسؤول در اجرای برجام را طی روزهای قبل به نیویورک کشاند تا با هم‌تایان خود در پشت درهای بسته به رایزنی بپردازند، به وضوح نشان داد عبارتی که روحانی ۲ سال و نیم قبل با عجله و هیجان ابراز کرد، عاری از واقعیت بیرونی بوده و بیشتر در قالب نمایشی تبلیغی به منظور بسترسازی انتخاباتی، اجرای کم‌هزینه‌تر برجام، بستن دهان منتقدان و اثرگذاری بر فضای روانی جامعه بوده است. به عبارت دیگر در دوره پس از برجام آنچه را که روی زمین قابل محاسبه و رؤیت است، می‌توان اینگونه معنی کرد: رژیم تحریم‌ها مرتفع نشده، تهدیدها ابعاد تازه و گسترده‌تری یافته است، دایره باج‌خواهی حریف توسعه یافته و وعده‌های طرف مقابل عملی نشده است. این در شرایطی است که ایران فراتر از تعهدات خود در محدودسازی توان هسته‌ای عمل کرده اما تجارت خارجی و رونق اقتصادی وعده شده از سوی دولت کماکان گروگان وزارت خزانه‌داری کدخداست. در داخل نیز طی ماه‌های گذشته علاوه بر مسدودسازی راه‌های بیان نقد دلسوزانه از طریق به‌لجن کشیدن منتقدان به‌وسیله لشکر رسانه‌های زنجیره‌ای و البته با حمایت خارجی، برجام و دستاوردهای آن را تا سرحد «آفتاب تابان»، «عامل دور شدن سایه شوم جنگ از سر کشور»، «بزرگ‌ترین دستاورد دیپلماسی و افتخار قرن»، «عامل رفع همه مشکلات قبل و بعد کشور در ابعاد اقتصادی، علمی و تکنولوژی»، «مدلی برای عملیاتی کردن برجام‌های داخلی و منطقه‌ای»، «جلوگیری از ضرر میلیاردها دلار در روز»، «زمینساز اشتغال و گردش چرخ اقتصاد» و... تبلیغ کردند و در شرایطی که دلسوزان کشور، حتی شرکای اروپایی دولت و برادران مؤذنب (آمریکایی بر رفق نشدن مشکلات اجرای برجام اعتراف و تأکید دارند، اعضای تیم مذاکره‌کننده و هواداران آنها در توجیهاتی عجیب، این موضوع را «دیپلماسی بانکی»، «با هدف مصرف داخلی»، «با مسارف تبلیغاتی درون‌حزبی» و «تفاوت لحن در مباحث دیپلماتیک» می‌دانند و تغییری در روش قبلی خود نمی‌دهند؛ روشی که منتقدان دلسوز را که «براساس ارزیابی کارشناسی از دست‌فرمان دولت در مواجهه با آمریکا- این اتفاقات را با افاق کامل‌روشن پیش‌بینی می‌کردند، با چوب بی‌اطلاعی، «دیپلماسی بانکی»، دلواپسی و سنگ‌اندازی در روند گشایش امور ملت می‌راندند. به مرور که ابعاد این خسارت محض و اثرات سوء ناشی از توافقی یکطرفه و بدون رعایت شروط ابلاغی رهبر انقلاب هویدا می‌شود، شرایط به گونه‌ای در حال رقم خوردن است که حتی هواداران سینه‌چاک برجام نیز در برلث‌جنوبی از شش‌هنگار تاریخی دولت گوی سبقت می‌یابند. اظهارات دکتر مجتهدزاده، آصفی و... مصادیقی بارز برای این موضوع است. در یک محاسبه سرانگشتی و ساده براساس آنچه در حال وقوع است، به‌طور قاطع می‌توان گفت برجام برخلاف ادعاها نه «آفتاب تابان» که «خورشیدی کسوف‌زده» است که در پس‌امضای آن نهنتمن سایه شوم جنگ از ایران دور نشده که منطقه در بدترین وضعیت جنگی در دهه‌های اخیر خود قرار گرفته است. دیپلماسی پشیمان این توافق به قدری لنگ می‌زند که شاهد آن را باید در بالا کشیدن ۲ میلیارد دلار از بول‌های این ملت مظلوم درست بعد از خواهش و تمنا وزیر امور خارجه از آمریکا و دست دادن او با کری زیر پرچم دشمن یا تهدید به جنگ بحرین فزونی علیه ایران جستوجو کرد. تا اینجا کل این بازی نهنتمن در چارچوب معادله «برد-برد» قابل تحلیل نیست بلکه از هر طرف که نگاه کنی یک طرف این معاهده خسارت‌بار را بازنده اصلی آن خواهی یافت. این دست‌فرمان تیم دیپلماسی همچنین تا اینجا کار نه به گشایش اقتصادی روی زمین انجام‌یافته و نه زمینه‌ساز انتقال تکنولوژی و رفع مشکلات بیکاری شده است.